مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۵ ،
دوره اول ، سال
چهارم ،
زمستان ۱۳۹۸
صص ۱۴-۳۰

واکاوی سیر تحول ماهیت دینی و ایدئولوژی امرای مشعشعی در خوزستان

سید محمد احمدی مقدم [۱]، امیر عباس مهدوی فرد [۲]

چکیده

در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم (پانزدهم میلادی) ایران یک واحد سیاسی یکپارچه نبود، در شرق ایران ضعف قدرت بازماندگان تیموری مشهود و در قسمتی دیگر از غرب ایران، توسعه حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو آشکار بود. در چنین اوضاع و احوالی احتمال نضج گرفتن نهضت‌های مذهبی – سیاسی در نواحی مختلف ایران قوت داشت. از جمله حدود سال ۱٤۳۷م/۸٤۰ ه.ق در منطقه جنوب عراق و خوزستان نهضت مذهبی شیعی به رهبری سید محمد بن فلاح از شاگردان علامه احمد بن فهد حلی نضج گرفت که به سرعت به حکومت محلی تبدیل گشت. موسس این دولت سید محمد بن فلاح (متوفای ۸۷۰ق) از علمای حوزه حله عراق بود که در سال ۸۲۸ ق نهضت خود را با تکیه بر علوم غریبه که از استاد (علامه احمد بن فهد حلی) خود یاد گرفته بود آغاز نمود. با این ادعا توانست نظر بیشتر قبایل خوزستان را به خود جلب کند وی بعد از جنگ‌های متمادی توانست در سال ۸٤٥ قمری حکومت مستقل شیعه اثنی عشری به مرکزیت حویزه ایجاد کند. از این زمان به بعد، مشعشعیان تا سال ۹۱٤ ق به صورت مستقل حکومت کردند و بعد از حمله صفویان بیش از دویست سال به صورت حکمرانان تابع بر این منطقه حکومت کردند. این حکمرانان مردمانی بزگوار، علم دوست، اهل فضل و دانش بودند. به این جهت آنان موجبات رشد دینی، فرهنگی و شکوفایی علم و هنر منطقه خوزستان را فراهم آوردند. دیری نپائید که خوزستان عموماً و حویزه خصوصا بعنوان مرکز حکمرانی خوزستان در آن زمان یکی از مراکز عمده علمی مذهبی شد. مرکزی که طالبان علم و جویندگان فضیلت و ادب آهنگ آن نمودند و در آن رحل اقامت افکندند. مفسرین، فقها، حکما، ادبا و شعراء بزرگی از آن ظهور نمودند.

کلمات کلیدی : مشعشعیان، سیدمحمد بن فلاح، مهدویت، حویزه

[۱] نویسنده مسئول: دانش آموخته رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش تاریخ تمدن و ملل اسلامی، دانشگاه قم ،دانشکده الهیات
[۲] دکترای تخصصی تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه قم دانشکده الهیات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

مقدمه

دوره هلاکوخان آغاز مرحله دیگری از یورش مغولان به شمار می‌آید که چنگیز خان از سال ۹۱۸ ق آغاز کرده بود. یورش هلاکو در نهایت به اضمحلال در کانون مهم سیاسی – مذهبی اسماعیلیان در الموت و خلفای عباسی در بغداد انجامید. که هر یک آثار مهمی در حوزه اعتقادی – سیاسی به جا گذاشته بودند. مرکزیت دینی و سیاسی با سقوط بغداد دچار خدشه و تحول گردید و با سقوط الموت، اسماعیلیان از پیشگامان مبارز نظامی در حوزه تشیع کنار نهاده شدند. بی ثباتی سیاسی همراه بی ثباتی مذهبی، وجه بارز این دوره بوده است. چون در این دوره با سقوط خلافت عباسی رسمیت مذهب اهل سنت پایان یافت و فرصتی بی سابقه‌ای برای شیعه دوازده امامی برای رسمیت دادن به مذهب خود به حساب می‌آید. درگیری ها، نابسامانی ها، ظهور سلسله‌های محلی و قومی – قبیله‌ای موجود در فاصله میان ایلخانان تا تیموریان، نشان از هم گسیختگی سیاسی و اوج پراکندگی دارد؛ به طوری که در هر گوشه، فرمانروای مستقلی حکومت می‌کرد. بروز درگیری قراقویونلوها و آق قویونلوها و کشمکش‌های میان آنان حتی حکومت آنان بر بخش‌های جنوبی منطقه خوزستان و جنوب شرقی عراق عرب، آشفتگی و کشاکش قدرت‌ها در نبود یک حکومت قدرتمند مرکزی را نشان می‌دهد. در نگرشی کلی به قر.ن هشتم و نهم هجری، باید گفت که مرزهای سیاسی ثباتی نداشت. ظهور و سقوط حکومتهای مختلف، زمینه مساعد برآمدن جنبش‌های اجتماعی را فراهم آورده بود. این جنبش، عمدتا از یک سو از نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شدند و از سوی دیگر، بر جریان فکری و اعتقادی جدیدی مبتنی بودند که خیزش نوربخشیان، مشعشعیان و صفویان در زمره‌ی این گروه‌ها و جنبش‌ها قرار دارند، که به رغم تمایز عناصر نژادی مخاطبان و حامیان آن‌ها و تفاوت مناطق فعالیت، همه‌ی این گروه‌ها در رویکردی مبالغه آمیز به تشیع همانند بودند. از جنبش‌های مذکور، صفویان و مشعشعیان موفق به تشکیل حکومت شدند، با این تفاوت که حکومت مشعشعیان، بر خلاف صفویان، فراگیر و دیر پا نبود از آغاز تا انجام جنبش و حکومت مستقل مشعشعیان حدود هفتاد سال به دراز کشید(یوسفی،۱۳۸۹: ۱) سده نهم هجری در تاریخ فعالیت گروه‌ها و جنبش‌های شیعی از اهمیت بسیار برخوردار است. جنبش‌هایی نظیر نوربخشیان، حروفیان مشعشعیان، و صفویان در این دوران به وجود آمدند و تمامی این جنبش‌ها بسیار به تشیع گرایش داشته‌اند. در اثر فعالیت این گروه‌ها دگرگونی‌های بزرگ معنوی و تأثیر شگرفی در اذهان مردم کرد، لر، آذری، فارس و قسمتی از اعراب به وجود آمد. سلسله مشعشعی یکی از طلایه‌داران و پدیدآورندگان دگرگونی آن دوران به شمار می‌روند. مشعشعیان پس از استقلالی کوتاه مدت در دوره صفویه به شکل فرمانروایی وابسته و پیرو صفویه درآمدند. هر یک از جنبش‌های این دوره دارای اعتقاداتی مختلف در مسائل فکری، دینی، اجتماعی و فرهنگی بودند. اکثر این گروه‌ها عقایدشان نشأت گرفته از تشیع و تصوف بوده است و در ارتباط این دو گرایش با یکدیگر برخواسته بودند. یکی از نتایج درآمیختن تشیع و تصوف پدید آمدن نهضت مشعشعیان بوده است. آنان از پیروان سید محمد بن فلاح بنیانگذار این جنبش می‌باشند که این نهضت با فعالیتهای وی به وجود آمد و مدت هفتاد سال(۸٤٤-۹۱٤ ق.) به شکل مستقل بر بخشی از جنوب غرب و سپس به شکل والی از جانب حکومت مرکزی بر آنجا حکمرانی می‌نمودند. وی حرکت خود را با مقدمه‌ای صوفیانه آغاز کرد، آنگاه شروع به اظهار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

برخی دعاوی نمود. مشعشعیان جنبشی سیاسی و اجتماعی بودند که به مدت پنج قرن در خوزستان و برخی نواحی اطراف صاحب نفوذ و آوازه بودند و در این مدت دچار تحولات بسیاری شدند و خدمات شایانی نیز نمودند(قیم و بداوی، ۱۳۹۲: ۲) در این دوران این حکومت از وضعیت تاریخی و تمدنی مستقلی برخوردار بود. در همین راستا تفاسیر متعددی در رابطه با تاریخ و تحولات آن وجود دارد. سید علی بن سید عبدالله و غیاثی در کتاب الراحله المکیه می‌نویسند: سید محسن مشعشعی در واقع یک حاکم و رهبر شیعی بوده که قبا از صفویان به همگن سازی در مناطق تحت نفوذش پرداخت. از جمله کارهای او ایجاد بروکراسی مشعشعیان و تشکیل ارتش و بسط شهرنشینی بوده که سه شهر المحسنیه و مالکیه و قیصریه را بوجود آورد. از دیگر اقدامات مشعشعیان ضرب سکه و ساخت مدارس دینی در شهرهای مختلف و ضرب سکه با نام امامان شیعه است که در موزه‌های شوش و شوشتر و اهواز در معرض دید عموم قرار دارد. در مقایسه با جنبش‌های هم عصر و هم سو با مشعشعیان در سده‌های هشتم و نهم هجری، پژوهش‌های کمی در مورد آنان وجود دارد. این در حالی است که این موضوع از جنبه‌های گوناگون و از منظر اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو در پژوهش حاضر تاثیر این دولت را در توسعه علوم دینی و آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیشینه پژوهش

پیشینه و سابقه در باب مشعشعیان در ابتدا می‌بایست به بیان پژوهش‌های دست اول اشاره داشت، پژوهش‌هایی که در دوره مشعشعیان و یا در دوره تاریخی نزدیک به ایشان به نگارش در آمده اند از این دست می‌توان به کتاب کلام المهدی اثر سیدمحمد بن فلاح، تاریخ مشعشعیان اثر سیدعلی خان، سید علی بن سید عبدالله مؤلف کتاب الرحلة المکیه، آخرین فرد از عصر طلایی شکوفایی علوم نزد مشعشعیان است. او حوادث مشعشعیان از تأسیس حکومت و روی کار آمدن سید محمد بن فلاح، تا سال ۱۱۲۸ ق را به رشته‌ی تحریر در آورده است. از آن جا که کتاب مزبور مأخذ اصلی و عمده‌ی تاریخ نگاران، در تألیف تاریخ مشعشعیان بوده، از این رو سید علی، نام آورتر و معروف‌تر از نیاکان عالم و صاحب فضل خویش است(قیم، ۱۳۸۳: ۱۹۱) و همچنین منابعی که می‌توان اطلاعاتی پراکنده از لابلای مطالب آن یافت، از جمله این آثار کتاب مجالس المومنین اثر نورالله قاضی شوشتری، تذکره شوشتر اثر سید عبدالله جزایری، تاریخ عالم آرای عباسی اثر اسکندر بیگ ترکمان، حبیب السیر اثر خوانده میر نام برد. از این منابع به عنوان منابع دست اول در تاریخ مشعشعیان می‌توان استفاده کرد. از جمله منابع دیگری که مربوط به عصر صفویه می‌باشد و اطلاعاتی پراکنده از میان آنها در مورد آل مشعشع می‌توان به دست آورد، سفرنامه‌های دوره صفویه می‌باشد، از جمله این سفرنامه‌ها: سفرنامه پیتر دلاواله، سفرنامه کروسینسکی، سفرنامه کمپفر، سفرنامه نیبور است. منابع دیگری وجود دارد که هم عصر با مشعشعیان نوشته نشده است و یا نویسنده فاصله زمانی اندکی با دوره مشعشعیان نداشته است که این منابع جزو منابع دست دوم محسوب می‌شوند و شامل پژوهش‌های جدید می‌شوند از جمله‌ای آثار می‌توان به کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان اثر احمد کسروی، ماهیت فکری–اجتماعی مشعشعیان اثر محمد علی رنجبر، مقاله‌ای با عنوان تاملی بر ورود تشیع به خوزستان در قرون نخستین اسلامی، مقاله‌ای یا نام آغاز نهضت مشعشعی در قرن نهم و مقاله‌ای دیگر با عنوان سیدمحمد بن فلاح و اندیشه مهدویت و اثر دیگری بنام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

رهبری مشعشعیان، آغاز و فرجام فعالیت‌های سیدمحمد بن فلاح اشاره کرد. با این وجود در رابطه با آل مشعشع یا حکومت مشعشعیان در جنوب غربی و جنوب ایران خصوصا در خوزستان آثار جامع زیادی نیست. در بسیاری از اسناد و مدارک دست دوم و غیر رسمی مطالب مختلف و گوناگونی در رابطه با اعتقادات، دین و مذهب، ایدئولوژی و وضعیت تاریخی و تمدنی آنان نگاشته شده است. اما به راحتی و به طور یقین نمی توان به این گفته‌ها استناد نمود. آنها را مطابق با واقعیت دانست. با وجود همه این آثار به جرات می‌توان گفت که اثر منسجم و جامعی در مورد حکومت مشعشعیان وجود ندارد. نقش مشعشعیان در ترویج مذهب تشیع را مورد بررسی قرار داده است. در حقیقت، نهضت شیعی مشعشعیان در زمان حکومت شاهرخ میرزا در خوزستان به رهبری سیدمحمد مشعشع، در سال ٨٤٤ هـق، شکل گرفت. این حکومت از ابتدا به عنون حکومت دینی پایه گذاری شد. مذهب اصلی حاکمان این حکومت تشیع بود و ین افراد خود از بزرگان و عالمان مذهب تشیع بوده اند(بیت سیاح ١٣٩٤).

چهارچوب نظری

- **ماهیت اجتماعی مشعشعیان**

مناطق جنوب عراق و عرب خوزستان را به دو بخش قبیله‌ای با روستایی عشایری و شهری تقسیم نموده اند. روستا به عنوان محل استقرار گروهی یک جانشین قبیله‌ای و یا تحت سلطه‌ی قبایل بود. الگوی اقتصادی آنان مبتنی بر کشاورزی یا زراعی دامی بود. علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی و دامی، راهداری و تأمین امنیت کاروان‌های تجارتی – مسافرتی از سوی برخی قبایل منطقه، به عنوان یکی از شیوه‌های اصلی امرار معاش یاد شده است ابن بطوطه از وظیفه‌ی راهداری گروهی از اعراب خفاجه یاد کرده است که افزون بر راهنمایی کاروانها، شتر را نیز به عنوان مرکب نقل و انتقال کرایه می‌دادند. از سوی دیگر، گروهی دیگر از همین اعراب در حومه‌ی کوفه به کار غارت و دستبرد مشغول بودند. هم چنان که به تعبیر وی اعراب معادی (بنی معدی عیدی) نیز در حومه‌ی واسط مترصد فرصتی بودند که به کاروان‌ها بتازند و غارت کنند، حتی اگر این کاروانیان درویشان فقیر باشند(سیادت، ١٣٧٤: ٢٥٠-٢٥١)

تحولات دینی در تاریخ خوزستان پیش از بر آمدن مشعشعیان

در واقع شیعه از همان زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) همیشه در رنج و سختی و مشکلات و جنگ با دشمنان، گذران ایام می‌کردند. اما بعد از شهادت امام علی (ع) شدت این سختی‌ها صد چندان شد. امویان دست و پای شیعیان را در عراق می‌بریدند و آنان را بر دار و خانه هایشان را خراب می‌کردند، عطای شیعیان از بیت المال قطع شد و دوستداران علی (ع) به سیاه چالها افتادند. در برابر آن، جعل حدیث در مدح و ستایش خلفا و معاویه دریافت صله و جایزه رایج گشت و معاویه دستور داد احادیثی در مذمت امام علی (ع) بسازند و ایشان را بر منابر و در مجالس سب و لعن کنند. بنی امیه عده‌ای از امامان را به شهادت رساندند و مصیبت عظیمی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

یعنی فاجعه کربلا در عهد امویان رخ داد. به سال ۱۳۲ هجری حکومت امویان فروپاشید و عباسیان بر سر حکم آمدند. در روزگار بنی عباس شکنجه و قتل عام شیعیان بیش از عهد بنی امیه بود و سایر امامان جز امام زمان (ع) به دست عباسیان شربت شهادت نوشیدند(محمد زاده، ۱۳۸٦: ۵۰-۵۱). این ستم‌ها موجب جلای وطن خاندان علی (ع) و شیعیان و مهاجرت ایشان به ایران و سایر سرزمین‌ها گردید، در آن زمان در جهان چند مرکز اصلی ترویج و گسترش تشیع وجود داشت، کوفه، مدینه، سامراء، جبل عامل، قم، اهواز، نیشابور، ری، بخشی از مازندران، و گیلان. اهواز یکی از شهرهای مشهور مملو از دانشمندان، پیشوایان دینی، بازرگانان و متمولین بومی و غیر بومی بوده است. طبیعی است که به میمنت اقامت پربرکت هر چند کوتاه مدت امام رضا (ع) در اهواز، و نیز وجود شخصیت‌های بارز شیعی از قبیل عبدالله بن نجاشی فرماندار اهواز وکیل امام صادق (ع) در آن سامان، حسن بن سعید و حسین بن سعید اهوازی، علی بن مهزیار و ابن سکیت و دیگران علاوه بر عوامل دیگری همچون مهاجرت و یا تبعید جمع زیادی از شیعیان کوفه به آن نواحی، مذهب رایج و غالب مردم اهواز از همان ازمنه پیروی از مکتب اهل البیت (ع) بود، در حالیکه در آن قرون به استثنای قم و چند شهر دیگر، مذهب تشیع در اکثر شهرهای ایران در اقلیت بوده است(پورکاظم چلداوی،۱۳۷۳، ج۱: ۸۰). راه‌های زمینی خوزستان در قرون اولیه اسلامی به منزله گذرگاهی بین شرق و غرب امپراطوری گسترده اسلامی به شمار می‌رفت. بدیهی است، کاروانها و کشتیهای حامل کالاهای بازرگانی، فرهنگ و تمدن ملتها دیگر را با خود حمل می‌نمود. در نتیجه بر تحول علوم و فرهنگ و ادب خوزستان تأثیر مستقیم می‌گذاشت، تا جایی که کثرت علما و ادبای خوزستان در اماکن متعددی چون اهواز، شوشتر، حویزه، رامهرمز، دورق (شادگان)، عبادان (آبادان) در قرن دوم تا حمله مغول به خوزستان در سال ٦٥٤ ه. ق شگفت انگیز جلوه می‌کند. از جمله این دانشمندان و ادبا که به خوزستان منتسب شده اند، می‌توان به خاندان سهل اهوازی، خاندان نوبخت اهوازی و دانشمندان و شاعرانی چون، ابوالقاسم زجاجی صاحب کتاب الجمل، ابراهیم صولی، أخبطل اهوازی، ابو نؤاس اهوازی، ابوالقاسم تنوخی، ابویوسف یعقوب ابن سکیت دورقی، ابوالعیناء اهوازی، عکاشه عمی، شیخ الصوفیه سهل بن عبدا... تستری، عبدالوحد بن زید عبادانی (اولین رباط زهد را در آبادان ساخت) شیخ حسن رامهرمزی، شیخ احمد إیذجی و ابوهلال عسکری اشاره نمود(العزاوی، ۱۹٦۰-۱۹٦۲، ج۱: ۳۳۱)

اوضاع دینی و فرهنگی در زمان مشعشعیان

خوزستان از معدود سرزمینهایی است که در اواخر دوره مغولی و دوره انحطاط عثمانی از حاکمانی حامی و مشوق، علما و ادباء و شعرای عرب برخوردار بوده است. خاندان مشعشع که از اواسط قرن نهم تا اواخر قرن سیزدهم بر خوزستان و قسمتی از سرزمین‌های اطراف آن حکومت می‌کردند یا خود عالم، یا شاعر و ادیب بوده، یا بستر مناسب برای پیشرفت علما و ادبا را فراهم نمودند(پورکاظم چلداوی،۱۳۷۳، ج ۱: ۱۸). بنابراین آل مشعشع توجه خاص به فرهنگ، علوم و ادب داشتند بطوریکه مدارس دینی و کتابخانه‌ها را تأسیس، دانشمندان و ادیبان را مورد حمایت خود قرار دادند. استادان و صاحبان فکر و اندیشه را به سرزمین خود دعوت کردند تا فرزندان این مرز و بوم را از لحاظ فرهنگی و ادب پرورش دهند. نتیجه آن شد که فرهنگ و تمدن همگام با پیشرفت اقتصادی و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

آبادانی و دیگر جنبه‌های زندگی پیشرفت کند(کریم اللامی، ۱۹۸۵: ۱۷-۱۸). حکام و والیان مشعشعی سعیشان بر این بود که دولت و حکومت خود را بر پایه‌های اجتماعی سالم و قوی بنا نهند. آنها بخوبی آگاه بودند که جزء با بالا بردن سطح آگاهی و فکری عامه‌ی مردم دستیابی به چنین هدفی امکان پذیر نیست، سیدمحمدبن فلاح مؤسس دولت مشعشعی درس خوانده مکتب شیخ احمد بن فهد، از شاگردان ممتاز او و از عالمان روزگار خود بود(عاملی، ۱٤۰۳ه.ق، ج ۱۰: ۳۸). او در مدت کمی توانست نظر استاد خود را جلب کند و حلقه‌ی تدریس استاد را در عدم حضورش به دست گیرد. واضح است که چنین فردی به محض به دست گرفتن قدرت و انتخاب حویزه به عنوان مرکز حکومت خود، آن را به مرکز فرهنگی، دینی و سیاسی تبدیل کند. حویزه شهری شد بزرگ و معتبر با مدارس، حوزه‌های علمیه، مجامع علمی و پژوهشی و دارالحکمه و نیز دارای کاروان سراها، بازارها، مساجد، گرمابه ها، عمارت‌های عالی و کتابخانه‌های ارزشمندی شد(عزیزی بنی طرفی، ۱۳۷۲: ۱۲۳). سید محسن فرزند دیگر سید محمد که پس از مرگ پدر به جای او نشست. قلمرو حکومتش تا بغداد و کرمانشاهان و بنادر خلیج فارس می‌رسید، در دوران ٤۱ ساله فرمانروایش همواره حامی و مشوق علما و فقهاء بود: و کتابهایی نیز بنام او نوشته شد: در آن زمان بازار شیعی گری و سنی گری در سراسر ایران و عثمانی بسیار گرم شده بود(کسروی، ۱۳٥٦: ٥۷). طرفداران مذهب شیعی، مورد حمایت مشعشعیان قرار گرفت بودند و بسیاری از علمای شیعی به سید محسن روی آوردند و سید نیز از علما و فقها حمایت می‌کرد و نهایتا کتابهایی بنام او نوشته شد: مولانا شمس الدین محمد استرآبادی حاشیه‌ای بر شرح تجرید نوشته و دیباچه‌ی آنرا به نام سید محسن مشعشعی مصدر کرده است. سلطان محسن نیز کار او را پسندیده، هدایای گرانبها برای او به ارمغان فرستاد(موسوی مشعشعی:۱۲). بنابراین سید محسن با کرم و بخشش و دانش پرروی، برای خود و خاندان خویش اعتبار و وجاهت شایانی کسب کرد. تجلی و نمود بارز این اعتبار در روی آوردن علمای شیعه از اطراف و اکناف سوی او بود. به همین جهت او را «سلطان محسن» یا «ملک محسن» نامیدند(مرعشی شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۹۹) سید مبارک که مقارن سلطنت شاه عباس صفوی حاکم مشعشعیان بود(رنجبر،۱۳۸۲: ۳۱۳). به گفته کسروی «از برداشت حویزه و عربستان چیزی به شاه نمی پرداخته گرچه در ابتدای جوانی کارهای ناشایستی از او سر زد ولی معروفترین فرمانروای مشعشعیان است»(کسروی، ۱۳٥٦: ٦۸) و پاره‌ای از علما شیعه و از آن میان شیخ عبد اللطیف جامعی را به حویزه فرا خواند و به یاری آنها مذهب شیعه دوازده امامی را جانشین مهدیگری مشعشع کرد(افندی تبریزی، ۱٤۰۱ ه.ق، ج ۲: ۲٤۲)

سید مطلب پسر سید بدران را باید یکی از چهره‌های برجسته و شاخص مشعشعیان در عرصه علم و فرهنگ نامید. او بی آنکه سودای قدرت و فرمانروایی در سر داشته باشد، با وارد نشدن در حوزه‌ی قدرت و منازعات مرتبط به آن و به عوض آن روی آوردن به اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی، منشأ خدمات شایانی بود. مولامطلب جزء معدود موالی مشعشعی است که پدرش (سیدبدران)، برادرش (سیدسجاد) و پسرش (سیدمبارک) همگی فرمانروا و حاکم بودند، اما او بر اریکه‌ی قدرت ننشست و اصولا فکر دستیابی به آن نبود. همین خصلت سید مطلب سبب گردید تا دوره‌ی او، عصر طلایی مشعشعیان در عرصه‌ی علم و ادب باشد و پس از آن، علمای چندی از خاندان مشعشعی پا به عرصه‌ی وجود گذارند(قیم، ۱۳۸۳: ۱۸٦)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

سید مطلب پس از به قدرت رسیدن پسرش سید مبارک، از قدرت و نفوذ او برای بسط، ترویج و آموزش علوم آن دوره، استفاده کرد. او با دعوت از شیخ عبداللطیف جامعی و تأسیس مدرسه‌ی علوم دینی در حویزه، به تربیت نسل جدیدی از امرای دانشمند و دانش پرور مشعشعیان، همت گماشت. پیش از آن نیز سید مطلب نهایت احترام و اکرام را نسبت به پدر شیخ عبد اللطیف ؛ یعنی شیخ نورالدین علی ابراز داشت و او را در دورق، مسکن داده بود(افندی تبریزی، ۱٤۰۱ ه.ق، ج ۳: ۲۵۵)

پسر شیخ نورالدین، یعنی شیخ عبداللطیف نیز از عالمان دینی بود، که به دلیل احاطه بر علوم آن دوره، او را ابی جامع لقب داده بودند. او از شاگردان شیخ بهایی بود و مؤلف امل الأمل، او را فقیه صالح معرفی می‌کند. اهتمام و عنایت سید مطلب به ترویج و آموزش علوم و توجه خاص ایشان به شیخ نورالدین علی و بعدها به شیخ عبداللطیف، نشان دهنده‌ی دانش دوستی و دانش پروری او است؛ به همین دلیل مولانا کمال الدین محمد بن حسن استرآبادی، شرح فصول خواجه نصیر را به نام سید مطلب مشعشعی نوشت(کسروی، ۱۳۵٦: ٦۳). تأسیس مدرسه‌ی علوم دینی در حوزه توسط سید مطلب، با هدایت و مدیریت شیخ عبداللطیف جامعی، نقش مهمی در گسترش آموزش‌های دینی در مناطق تحت نفوذ مشعشعیان داشت و با گشوده شدن مدرسه‌ی علوم دینی، تعداد زیادی طلبه و هم چنین امرای خاندان مشعشعی، در آن به آموزش پرداختند و علمای بزرگی در دامن آن پرورش یافتند. سید خلف و سید راشد، پسران سیدمطلب، از جمله‌ی تربیت یافتگان همین مدرسه بودند(موسوی مشعشعی: ۱۲). سید خلف مشعشعی(۹۸۱–۱۰۷۰ ه ق) را باید فرزند خلف سید مطلب دانست(کسروی، ۱۳۵٦: ۷۵) زیرا نه تنها راه و روش پدر را در میل و گرایش به علوم آن روز دنبال کرد؛ بلکه فراتر از او، در این راه آن چنان پیش رفت که یکی از علمای شیعه گردید. سید خلف دارای قریحه‌ی شاعری نیز بود. ریاضت پیشگی و عبادت سید خلف، سبب گردیده بود تا همواره او را در عبادت، مثال بزنند(خوانساری، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲٦٦–۲٦۳)

اما آن چه شأن و منزلت علمی سید خلف مشعشعی را بیش از هر چیز برجسته و متجلی می‌گرداند کتاب‌های او است، که مزید بر شجاعت، عبادت، علاقه به عمران و آبادانی و قریحه‌ی شاعری این عالم بزرگوار است. تألیفات او در انواع مختلف علوم از صرف و نحو و کلام و منطق و شعر عربی و فارسی و فضائل معصومین از بیست عنوان کتاب فراتر است(افندی،۱٤۰۱ ه.ق، ج ۲ : ۲٤۵)

بعد از سید خلف می‌بایست از پسر او سید علی، معروف به سید علی خان نام برد؛ او نیز از جمله دانشمندان بزرگ شیعه است. نویسنده‌ی کتاب ریاض العلماء او را از «اکابر علما» میداند، که به تصوف نیز گرایش داشته است(افندی،۱٤۰۱ ه.ق، ج ٤ : ۷۸). دانش پروری و دانش دوستی امرای مشعشعی، سبب گردیده بود تا در دوره‌ی سیدعلی مشعشعی، سید نعمت الله جزایری، نیای سادات جزایری خوزستان، از جزایر به حویزه آمده و در آن جا سکونت گزیند و پس از مدتی به شوشتر عزیمت کند(کسروی، ۱۳۵٦: ۷۲). سید نعمت الله جزایری در کتاب الانوار النعمانیه پس از ذکر دوستی و مراودهی خویش با سیدعلی، او را در علم، ادب، عبادت، رسیدگی به حال مردم و شعر، سرآمد توصیف کرده است(شبر، ۱۳۸۵ ه.ق: ۱۳۷). برخلاف سید مطلب و سید خلف، سید علی مشعشعیان از سال ۱۰٦۰ تا ۱۰۸۸ قمری حاکم مشعشعیان بود و بر حریزه و اطراف آن حکومت می‌راند. با این وجود علیرغم نا آرامی‌ها و درگیری‌های دوره‌ی حکومت سیدعلی، کتاب‌های زیر، از او به یادگار مانده است(عاملی،۱٤۰۳ ه.ق، ج ۸: ۲۸۵)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

پس از سید علی بن سید خلف، باید از نوه‌ی او سید علی بن سید عبدالله نام برد؛ سیدعلی و پدرش سید عبدالله، هر دو از فرمانروایان مشعشعی بودند. سیدعبدالله برای مدت کوتاهی، یعنی هفت ماه و بیست روز، والی مشعشعیان بود و در سال ۱۰۹۷ق بدرود حیات گفت، و پسر او سید علی، یک بار در سال ۱۱۱۲ق، به مدت هشت ماه و بار دیگر در سال ۱۱۲۷ق، حاکم مشعشعیان گردید. از آن جا که علم و ادب در آن دوره از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار بود و سید عبدالله نیز همانند پدرش سیدعلی و جدش سیدخلف، دانش پرور و دانشمندان بود، همواره از سوی اهل قلم و علمای دینی مورد احترام قرار می‌گرفت، هر چند مقام و شأن علمی او در زمینه‌ی علوم دینی، به جایگاه رفیع سید علی و سید خلف نمی رسید(رنجبر، ۱۳۸۲: ۳۵۱). پایه‌ریزی و بسط آموزش علوم دینی و معارف اسلامی توسط سید مطلب سبب گردید تا در نسل‌های بعدی این امر تداوم یابد و فرزندان امرای مشعشعی فقط به فکر کسب قدرت و تصاحب حکم والیگری نبوده، شیوه‌ی علم اندوزی در حوزه‌ی معارف دینی را نیز پیشه‌ی خود سازند(افندی،۱٤۰۱ ه.ق، ج ٤ : ۷۷-۸۰)

خدمات فرهنگی دینی مشعشعیان

حکومت مشعشعیان در خوزستان در طول تاریخ نقش به سزایی در تاریخ، تمدن، علم و فرهنگ ایران داشته و در این زمینه خدمات شایانی به ایران و جهان اسلام نموده است. تأسیس جندی شاپور و خدمات ارزنده اش گواه این مطلب است. دانشمندان، شعرا، فلاسفه و پزشکان برجسته‌ای در این خطه قد برافراشتند و نقش بسیار مهمی در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی ایفا کردند. دوره مشعشعیان یکی از شکوفاترین و غنی‌ترین دوره‌های ادبی در خوزستان است. در این دوره ادبیات به طور عام و شعر به طور خاص به پیشرفت رسید. این خاندان چون خود اهل علم و فضیلت بودند توجه شایانی به ادب و ادیبان داشته‌اند به طوری که افراد نامداری چون ابن رحمه حویزی و شهاب الدین موسوی و سید علی خان بن خلف و.. . توانستند آثار ارزشمندی از خود به جای بگذارند. فعالیت‌های فرهنگی حاکمان و والی زادگان مشعشعی با سید مطلب مشعشعی به شکل جدی آغاز او بدون اینکه سودای قدرت در سر داشته باشد به جای وارد شدن در حوزه قدرت و منازعات ». شد مرتبط با آن، با روی آوردن به اقدامات و فعالیتهای فرهنگی، منشأ خدمات شایانی گردید و نام نیکی از از دوره وی به عنوان عصر طلایی مشعشعیان در عرصه علم و ادب یاد می‌شود(عبداکریم اللامی، ۱۹۸۵: ۱۷). (بیت سیاح ۱۳۹٤)نقش مشعشعیان در ترویج مذهب تشیع را مورد بررسی قرار داده است. در حقیقت، نهضت شیعی مشعشعیان در زمان حکومت شاهرخ میرزا در خوزستان به رهبری سیدمحمد مشعشع، در سال ۸٤٤ هـق، شکل گرفت. این حکومت از ابتدا به عنون حکومت دینی پایه گذاری شد. مذهب اصلی حاکمان این حکومت تشیع بود و ین افراد خود از بزرگان و عالمان مذهب تشیع بوده اند.

حسنی(۱۳۹۵) نقش حکومت مشعشعیان در رشد فرهنگ علمی جنوب غربی ایران را مورد بررسی قرار داده است. این دولت در زمان کوتاهی توانست با ارتقای فرهنگ دینی و علمی مردمان شیعه ساکن در این منطقه، دانشمندان بزرگی را تربیت کند که با نگاشته‌ها و آرای ویژه خود در سیاست، فرهنگ و علم تاثیر فراوانی برجای گذارند. قیم و همکاران(۱۳۹۲) تأثیر مشعشعیان در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

ساختار اجتماعی و فرهنگی خوزستان را مورد بررسی قرار داده است. در سال ۱٤۳۷م/۸٤۰ هـ‌ق در منطقه جنوب عراق و خوزستان نهضت مذهبی شیعی به رهبری سیدمحمد بن فلاح از شاگردان احمد بن فهد بن علامه حلی نضج گرفت که به سرعت به حکومت محلی تبدیل گشت. این حکمرانان مردمانی بزگوار، علم دوست، اهل فضل و دانش بودند. به این جهت آنان موجبات رشد فرهنگی و شکوفایی علم و هنر منطقه خوزستان را فراهم آوردند. دیری نپائید که خوزستان عموماً و حویزه خصوصاً(بعنوان مرکز حکمرانی خوزستان در آن زمان)یکی از مراکز عمده علمی فرهنگی شد. مرکزی که طالبان علم و جویندگان فضیلت و ادب آهنگ آن نمودند و در آن رحل اقامت افکندند. مفسرین، فقها، حکما، ادبا و شعراء بزرگی از آن ظهور نمودند .

بهرامی (۱۳۸۹) تاریخ سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی مشعشعیان را مورد بررسی قرار داده است. در قرون هشتم و نهم هجری بیشتر جمعیت ایران و سران کشور سنی بودند و فعالیت برای گروه‌های شیعی بسیار دشوار بود. با تبلیغ عالمان شیعی و فعالیت جنبش‌ها و خیزش‌هایی مانند سربداران، حروفیان و مشعشعیان که به شیعه تمایل داشته اند، روز به روز بر جمعیت شیعی ایران افزوده میشد و فعالیت این گروه‌ها باعث رشد روزافزون تشیع شد و زمینه را برای دولت صفویان مهیا نمود تا مذهب شیعه را در ایران رسمی کند. مشعشعیان یکی از این جنبش‌ها بودند که نقش زیادی در آشنایی مردم به تشیع داشتند. فعالیت این جنبش سیاسی- اجتماعی که حدود پنج قرن از خوزستان را به خود اختصاص داده است با اقدامات سید محمد بن فلاح که از شاگردان خاص ابن فهد حلی عالم بزرگ شیعه بود شروع شد. فعالیت سید محمد و اقدامات نظامی پسرش، سید علی باعث پیشروی‌ها و دست یافتن مشعشعیان بر بخش عظیمی از جنوب غرب ایران به مرکزیت حویزه شد. مشعشعیان به مدت هفتاد سال شکل مستقل و پس از آن به عنوان والی از جانب دولت مرکزی بر خوزستان حکمرانی می‌کردند و در طی این مدت منشأ خدمات فراوانی به شعرا و علما و ادبا شدند. در زمینه ایدئولوژی آنها و میزان اهتمام آنها نسبت به توسعه آن مطالب زیادی گفته نشده است.

ایدئولوژی مشعشعیان

در باب ایدئولوژی مشعشعیان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که گاهی ایشان را فاسد العقیده معرفی نموده اند و برخی ایشان را صحیح العقیده می‌دانسته اند. این حکومت مروج دین اسلام و مذهب شیعه بوده و اعتقاد فراوانی به اصل مهدویت و امام عصر داشته و همواره بر این سه موضوع تاکید فراوان داشته و به ترویج و تبلیغ دین اسلام، مذهب شیعه و اصل مهدویت پرداخته اند. این موضوعات و اصول مورد تاکید مشعشعیان به اندازه‌ای اهمیت داشته است که برخی از مورخان پایه گذاری این سلسله را عاملی در جهت فراهم شدن بستر ورود و ترویج اسلام، مذهب شیعه خصوصا شیعه دوازده امامی در سرزمین‌های تحت سلطه و علاوه بر آن سرزمین‌های پیرامونی آن شده است که این مسائل عاملی در جهت تحول فرهنگی و تمدنی در این سرزمین دانسته اند. در بابا فاسد العقیده بودن ایشان گزارشاتی آمده است که رهبران مشعشعی در گزارشات، خود را امام عصر خوانده اند و حتی ادعای خدایی کرده اند. از جمله ایشان سیدمحمد بن فلاح موسس این حکومت بوده است. وی که در واسط عراق زاده شد جزو شاگردان علامه شیخ احمد حلی از اکابر صوفیه و از بزرگان علمای شیعه امامیه عصر خود بود. سیدمحمد با تکیه بر تعالیم شیخ احمد و بهره گیری از کتابهای او بویژه کتابی خاص در علوم غریبه اقدامات خود را آغاز نمود و با تکیه بر این علوم غریبه کار او بسیار رشد کرد و حتی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

در این زمان در میان اهل و عشیره خود نیز اعلام میکرد که من تسخیر عالم خواهم کرد و من مهدی موعود هستم. چون کلام سیدمحمد به گوش استادش شیخ احمد حلی رسید، وی دستور قتل او را صادر کرد. پس از آن سید دستگیر شد و با حقه‌ای که بکار برد توانست خود را خلاص کند و به منطقه کسید بازگشت و گروهی از عشایر آن منطقه به او پیوستند و در این زمان خود را به نام مهدی ملقب ساخت و در سال ۸۲۸ ق ظهور کرد. درباره ادعاها، اندیشه و ماهیت فکری سیدمحمد ین فلاح نظرات مختلفی در منابع گوناگون بیان شده است. در این خصوص بر غالی گری آنان تاکید فراوان شده است. مهدویت، آموزه اساسی و شالوده اندیشه سیدمحمد به شمار می‌رود(احمد کسروی،۲۵۷۳،۲٦). بنابراین در رابطه با ایدئولوژی مشعشعیان خصوصا در رابطه با مبانی فکری – مذهبی سیدمحمد بن فلاح ذکر این موضوع دارای اهمیت است که ایشان خود را نائب امام زمان مطرح می‌کرده است. این موضوع در آثار و منابع بسیاری که هم مربوط به مشعشعیان و هم غیر مشعشعیان است ذکر شده است. نظریه حجاب یا نیابت نیز نظریه‌ای است که در رابطه با اعتقاد و ایدئولوژی سیدمحمد در رابطه با جانشینی و نیابت امام عصر(عج) مطرح شده است. همچنین در موردسید علی مشعشعی نیز آمده است وی که در زمان حیات پدرش سر رشته امور را به دست گرفت و آنان را به قبول ادعای خود مبنی بر اینکه روح امیرالمومنین در وی حلول کرده است و آن حضرت زنده است، فرا خواند. او به مقدسان بی احترامی و بی ادبی کرد و پدرش (سیدمحمد بن فلاح) در تربیت و ارشاد او فرو ماند و همواره سلاطین و فرمانروایان در نامه‌هایی که رد و بدل می‌شد به کارهای فرزندش استناد می‌کردند اما اظهار عجز و درماندگی می‌نمود. سید علی بن سیدمحمد معروف به مشعشع از برخی نوشته هایش که در میان یاران او پخش و منتشر شده آشکار می‌گردد که ادعای مهدویت کرده است او به همین اندازه اکتفا نکرد و چنان که نقل کرده اند ادعای الوهیت(خدایی) نیز نموده است(کلیدار،۱۳۸۹،٤٧٣). علاوه بر آن صوفیگری نیز در میان مشعشعیان و رهبران آن وجود داشته است. روایات زیادی مبنی بر اینکه خاندان مشعشعی گرایش به صوفی گری داشته اند و سیر و سلوک صوفیان را مورد تاکید قرار داده اند وجود دارد. به عنوان مثال سید علی خان و پدرش سید خلف از بزرگان دانشوران بوده اند و هر دو تمایل به تصوف از خود نشان داده اند. سید علی خان از شاگردان شیخ عبداللطیف بن علی بن ابی جامع می‌باشد(بیگ افندی،۱۳۸۹،۱۰۸). شاید بتوان بیان داشت که جنبش‌های مذهبی و اجتماعی که از جوهره و درون مایه تصوف و تشیع برخوردار بودند زنجیری را می‌سازد که حلقه نخستین آن سربداران و حلقه واپسین آن نهضت مشعشعیان است(منتظرالقائم و شاهمرادی،۱۳۹۲،٦٤). برخی نیز ایشان را صحیح العقیده دانسته و معتقد بودند که مشعشعیان که خود را منتسب به شیعیان می‌دانستند رویکرد و مبانی فکری و ایدئولوژی خاص خود را داشتند و به آموزه‌های الهی، دینی و مبانی اسلامی نگاه ویژه‌ای داشتند و اساس و بنای حکومت خود را بر مبانی دینی و الهی پایدار نمودند.

اندیشه مهدویت در میان مشعشعیان

اندیشه مهدویت که از صدر اسلام تاکنون همواره در جامعه اسلامی مطرح بوده، در طول تاریخ، دچار آسیب‌های فراوانی مانند مدعیان دروغین مهدویت، شده است. قرن نهم قمری در تاریخ فعالیت گروه‌ها و جنبش‌ها با گرایش شیعی، اهمیت بسیاری دارد که می‌توان صفویان و مشعشعیان را از زمره این حرکت‌ها به حساب آورد. از جنبش‌های یاد شده، صفویان و مشعشعیان به تشکیل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

حکومت موفق شدند، با این تفاوت که حکومت مشعشعیان برخلاف صفویان فراگیر و دیرپا نبود، چون بعد از مدتی مغلوب صفویان شدند و حیاتشان به شکل فرمانروایی وابسته و پیرو صفویان ادامه یافت(اصلانی،۱۳۸٦،۷٦). اصل مهدویت و اعتقاد به امام عصر یکی از مهمترین و اساسی ترین رویکرد و اهداف سران آل مشعشع بود که پیوسته بر آن تاکید کرده و در صدد ترویج و توسعه آن در میان سرزمین‌های مختلف و پیروان و افراد و حکومت‌های پیرامون خود بودند. تاکیدات سران این حکومت بر اندیشه و اصل مهدویت به اندازه‌ای بود است که برخی محمد بن فلاح را مدعی مهدویت شناخته اند و در این باره موضوعات و روایات متعددی مبنی بر ادعای مهدویت و امام عصر بودن توسط سید محمد بن فلاح ذکر شده است. با توجه به اینکه در مناطقی که حکومت مشعشعی شکل گرفته بود، مخصوصا در سرزمین‌های عراق حکومت سنی وجود داشت ولی حکومت مشعشعیان حکومتی شیعی در این ناحیه بود. این موضوع همانند عامل اسلام یکی از موضوعات تنش زا برای این حکومت و عاملی مهم برای رویارویی با دشمنان و مخالفان و برخی دیگر از فرق اسلامی و غیر اسلامی بود. علاوه بر پایبندی به دین اسلام و تشیع، اگر چه اعتقاد به مهدویت فقط مختص به مشعشعیان نبوده است، اما یکی دیگر از موضوعاتی که در صدر و اولویت اصول حکومت مشعشعیان و در راس تفکرات و ایدئولوژی سران حکومت مشعشعی وجود داشت، اعتقاد و ایمان به اصل مهدویت و امام عصر بود. در واقع مهدویت بخش اعظم اندیشه‌های مشعشعیان و در صدر ایشان سیدمحمد مشعشعی را تشکیل می‌داده است، بنابراین مهدویت، آموزه مرکزی و شالوده اندیشه سیدمحمد بن فلاح به شمار می‌آید و این موضوع حجم زیادی از کتاب کلام المهدی را به خود اختصاص می‌دهد. سید محمد در همه جای کتاب کلام المهدی به زندگی، اصل و نسب، مادر و کلاً تفکرات شیعه در باب امام زمان(عج) اشاره می‌کند و شرایط ظهور و مبارزات امام را بعد از ظهور با ظلم و ستم یادآور می‌شود. از نظر وی، امام مهدی در زمان ظهور از چنان توانایی برخوردار است که هیچ کس را یارای مقابله با او نیست و به صورت اجتناب ناپذیری همه مردم تسلیم او خواهند بود و این اجبار فرصتی را برای آزمایش صالحان از ناصالحان باقی نمی گذارد. در این وضعیت وجود نایب امام ضرورت می‌یابد، شخصی که از توانایی امام برخوردار نیست و برای پیروزی به یاری شدن نیاز دارد و در این صورت فرصتی برای مردم فراهم می‌شود که انتخاب کنندیا از پرهیزکاران حامی قائم مقام امام زمان یعنی سید محمد باشند یا از عصیانگران. یکی از کتبی که در رابطه با مبانی فکری مشعشعیان خصوصاً اندیشه مهدویت بحث می‌کند مجالس المومنین اثر قاضی نورالله شوشتری(۱۰۱۰ق) از عالمان دینی شیعه و از سلسله سادات مرعشی شوشتر است که آثار مهمی را در مقابله با دیدگاه‌های عالمان اهل سنت به رشته تحریر درآورده است. قاضی نورالله از قول سیدمحمد بن فلاح نوشته است که ایشان گفته است: من ظهور خواهم کرد و مهدی موعود من خواهم بود(رنجبر،۱۳۷۹،۱۷۳). به عبارت دیگر در این منبع ذکر شده است که سیدمحمد دارای اندیشه مهدویت بوده و در اکثر مواقع خود را مهدی خوانده است. هر چند که ممکن است این نوشته خالی از اغراض نباشد و هم چنین ممکن است منظور از اندیشه مهدویت، نائب امام زمان خواندن از سوی ایشان باشد. به صورت کلی می‌توان بیان داشت که با توجه به اندیشه منجی که در هر آیین و مذهبی وجود دارد و در دین اسلام نیز آیات و روایات متعدد موید این مطلب است، سیدمحمد بن فلاح با توجه به زمینه‌ای که در جامعه آن دوران برای اظهار مهدویت وجود داشته است، چنین ادعایی نمود. وی در ابتدای فعالیتش مدعی شد که مهدی موعود منم و به زودی ظهور خواهم کرد و پس از اینکه این ادعا موجب تکفیر او از جانب استادش ابن فهد شد، برای رهایی از ادعایش آن را

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

تعدیل نمود و خود را به عنوان حجاب، نیابت و قائم مقام معرفی کرد. این رویکرد در میان همه رهبران و سران حکومت مشعشعی وجود داشته است با این تفاوت که برخی از آنان مانند سیدمحمد بن فلاح به صورت جدی بر آن تاکید و پافشاری نموده است و در برخی از آنان این جدیت و پافشاری وجود نداشته و صرفاً در حفظ این اعتقادات و نه ترویج و بسط آن اهتمام داشته اند. با این حال دوران سید مبارک آغاز تحولی دوباره در اعتقادات مشعشعیان قلمداد می‌شود. در حالی که منابع از چگونگی باورهای عقیدتی رهبران مشعشعی پس از یورش سال ۹۱٤ ق صفویان به حویزه سکوت کردند، ولی مطالبی را که می‌توان از دل منابع متعدد مخصوصاً منابع دوران صفوی در مورد عقاید والیان مشعشعی بعد از تسلط صفویان بر آنها به دست آورد، موید این است که روند تعدیل اعتقادی مشعشعیان مخصوصاً در موضوع نائب امام زمام (عج) از زمان سید مبارک آغاز گردید. شیخ عبداللطیف از عالمان شیعه و از شاگردان شیخ بهایی، به دعوت سید مطلب مشعشعی مدتی را در حویزه زندگی کرد و نقش مهمی را در تعدیل برخی باورهای مشعشعیان عهده دار گشت و در مدرسه دینی که تحت ریاست او افتتاح شد، تعداد زیادی طلبه به ویژه از فرزندان بزرگان مشعشعی در آن مدرسه به تحصیل پرداختند. در واقع مدرسه شیخ آغاز شیوه جدید و به دور از عقاید باطل و افراطی در آموزش و تربیت مشعشعیان بود که در مدت کوتاهی منجر به رشد و شکوفایی و معرفی شخصیت‌های علمی نام آوری از مشعشعیان در علوم دینی را موجب شد(اصلانی٩٦،١٣٨٦).

نتیجه گیری

سده نهم هجری در تاریخ فعالیت گروه‌ها و جنبش‌هایی با گرایش‌های شیعی اهمیت بسیاری دارد. خیزش نوربخشیان، صفویان و مشعشعیان در زمره این گروه‌ها و جنبش‌ها قرار دارند، که به رغم تمایز عناصر نژادی مخاطبان و حامیان آنها، و تفاوت مناطق فعالیت، همه این گروه‌ها در رویکردی مبالغه آمیز به تشیع همانند بودند. از جنبش‌های مذکور، صفویان و مشعشعیان موفق به تشکیل حکومت شدند، مشعشعیان به عنوان یک خیزش اجتماعی متأثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سده نهم هجری، به ویژه منطقه جنوب بین النهرین و خوزستان بوده اند. در واقع مشعشعیان، جنبشی با ویژگی‌های سیاسی – اجتماعی، و هم چنین گروهی با ماهیت دینی و مبتنی بر ویژگی‌های اعتقادی خاص، در درازای دوره حیات خود تا پایان حکومت صفوی (۱۱۳۵ ق.) و پس از آن بوده اند. این حکومت به لحاظ زمینه‌های اجتماعی، بافت جمعیتی و نوع معیشت پیروان سید محمد بن فلاح، در بستر شرایط اجتماعی و سیاسی سده‌های هشتم و نهم هجری، توجه شده، و به عنوان جنبشی برخوردار از حمایت نظام قبیله‌ای اعراب منطقه مذکور و متأثر از مقتضیات چنین نظامی معرفی شده است. از حیث اعتقادی و فرقه ای، تأملات سید محمدبن فلاح با محوریت دو اصل مهدویت و ترویج تشیع تنظیم شده است. به نظر می‌رسد او از منظری نو به این دو اصل نگریسته، به طوری که موجودیت متمایز ماهیت فکری مشعشعیان در میان جنبش‌ها و اندیشه‌های همسان به دست آمده است. اما این نگرش جدید سید محمدبن فلاح جایگاه او را تا مرتبه مؤسس مکتب اعتقادی بالا نمی برد. در واقع، اهمیت اندیشه‌های او، بیشتر در ترکیب نوین ماترک گذشتگان، در زنجیره جریان اعتقادی ملهم از تصوف و تشیع است. مشعشعیان، متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سده نهم هجری، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها و نیازهای خود را در تعالیم سید محمدبن فلاح دیدند و به دنبال دعوت او حرکت اجتماعی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

را در براندازی مراجع قدرت سیاسی منطقه خوزستان و جنوب بین النهرین آغاز کردند و در نهایت موفق به پی ریزی حکومتی مستقل شدند. البته شایان ذکر است که رهبری این جنبش، همچون سایر جنبش ها، بر اساس اصول اعتقادی و ایدئولوژی مشخص، به ترسیم جامعه مطلوب آرمانی دست زدند. وجود این حکومت در خوزستان در طول تاریخ نقش به سزایی در تاریخ و تمدن و علم و فرهنگ داشته است و خدمات شایانی به ایران و جهان اسلام داشته است. دوره مشعشعیان یکی از شکوفاترین و غنی ترین دوره‌های ادبی در خوزستان است. این خاندان چون خود اهل علم و فضیلت بودند توجه شایانی به علم و ادب داشتند. آنها مدارس و کتابخانه‌ها را تأسیس و دانشمندان و ادیبان را مورد حمایت خود قرار دادند. از جمله آن مدارس، مدرسه شیخ عبداللطیف بود که محلی برای تربیت شاهزادگان مشعشعی گردید. این دوره دربار فرمانروایان آل مشعشع (نیمه قرن نهم) محل تجمع فقیهان شیعه، دانشمندان و شاعران و نحویان شد. و در پرتو حمایت آنان دوره در خشانی در فرهنگ و تمدن شیعی – صوفی خوزستان پدید آمد. که مؤلفان، عالمان و ادیبان آن نهضت فکری و ادبی فعال و پرنشاطی را با خلق آثاری متعدد و متنوع در انواع مختلف علوم از شعر و نثر و فلاسفه و کلام و منطق و علوم دینی و مذهبی و علوم طبیعی و طب و ریاضی... را به وجود آوردند از عوامل مهم که به پیشرفت تمدن و فرهنگ در خوزستان در این زمان کمک شایانی نمود، تأسیس مدارس و مراکز علمی و کتابخانه‌های غنی و متعدد بود به طوری که کسب دانش و فراگیری علوم و فنون در آن عصر ارزش و اهمیت زیادی یافته بود و نابغه‌های نامداری و همچون ابن رحمه حویزی، شهاب الدین موسوی، سیدعلی خان بن خلف... توانستند آثاری ارزشمند از خود برجای نهند. تصرف هویزه در سال ۸٤٥ قمری توسط سیدمحمد بن فلاح و آغاز حکومت شیعی مشعشعیان با قلمرویی نسبتاً بزرگ– از واسط در غرب تا بهبهان و در شرق و از جنوب به خلیج فارس و قطیف و احساء و از شمال در مواردی تا نزدیکی بغداد و کرمانشاه– حدود هفتاد سال پیش از آغاز حکومت صفوی و اعلام رسمیت تشیع از سوی آنهاست. نکته مهم تأثیرپذیری رهبری نهضت صفوی از جنبش مشعشعی است که چندان از آن یاد نشده است. در تاریخ حلب به موضوع محاکمه جنید توسط فقیهان مذاهب اربعه اشاره می شود و در صورت جلسه آن محکمه، از جنید به عنوان «شعشعی مذهب»یاد شده است. از لحاظ زمان و جغرافیای جنبش مشعشعی، منطقی است که جنید صفوی الگوی اعتقادی– سیاسی مشعشعیان را پیش رو داشته باشد و به آن تأسی کند و حرکتی نو را در روابط صفویان و مخاطبشان بنیان بگذارد، حرکتی که نهایتاً به کسب قدرت حکومتی ره برد. قاعدتاً این پیشگاهی مشعشعیان در ماخذ دوره صفوی نمودی نمی یابد و نه فقط از تقدم آنها ذکری به میان نمی آید که ناباورانه و علی رغم همگونی اعتقادی، بد اعتقادی مشعشعیان توجیه گر یورش سال ۹۱٤ اسماعیل اول صفوی به خوزستان و خاتمه حکومت مستقل مشعشعی می شود. در باب ایدئولوژی آنها باید گفت که تمام کوشش سید محمد موسس این حکومت و بازماندگانش در اثبات توانایی‌های فراوان امام غایب در جهت اثبات ضرورت حجاب است که امر آزمایش را ممکن میدارد و در این جهت سیدمحمد مقام و مرتبه نیابت خودش را از از طرف خداوند می‌دانست، آن هم نیز برای آزمایش مردم است. مشعشعیان و علی الخصوص نظریه پرداز و موسس آنها سیدمحمد دلیل غیبت امام را چیرگی ظلم و ستم می‌دانست و ظهور وی را نیز برای پایان دادن به آن می‌داند. به عبارت دیگر سیدمحمد و دیگر جانشینان او مسلمان، دارای مذهب تشیع بوده و نسبت به امام علی (ع) و دیگر امامان شیعه علی الخصوص امام مهدی(عج) و موضوعات پیرامون مناسک شیعه بخصوص نظریه مهدویت دارای تعصبات و اعتقادات وافری بودند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

منابع

کتاب

۱- افندی تبریزی، میرزا عبدالله، ١٤٠١ ه.ق، ریاض العلما و حیاض الفضلا، قم، مطبعه الخیام ، ج ۵ -۱.

۲- العزاوی، عباس، ١٩٦٠-١٩٦٢،تاریخ الادب العربی، ج۱، عراق، مطبعه العلمی العراق.

۳- بیگ افندی، عبدالله بن عیسی(۱۳۸۹)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

٤- پور کاظم چلداوی، کاظم، ۱۳۷۳، جغرافیای تاریخی خوزستان، اهواز، انتشارات آیات.

۵- خوانساری، محمدباقربن زین العابدین، ۱۳۹۱، روضات الجنات فی أحوال العلماو السادات، قم، مکتب- اسماعیلیان، ۸ جلد.

٦- رنجبر، محمد علی،۱۳۸۲، ه.ش، مشعشعیان، ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی ،انتشارات آگاه.

۷- سیادت، موسی، ١٣٧٤، تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان .تهران: مؤسسهٔ چاپ و نشر آنزان- نشر سهند.

۸- شبر، جاسم حسن، تاریخ مشعشعیان (تهران، چاپخانه الآداب، ۱۳۸۵ ق / ١٩٦٥م).

۹- عاملی، محسن امین، ١٤٠٣ ه.ق، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات.

۱۰- عزیزی بنی طرفی، یوسف، ۱۳۷۲ ه.ش، قبایل و عشایر عرب خوزستان، بانگاهی به آیین فصل، شعر، هنر و تاریخ، تهران، ناشر مولف.

۱۱- قیم، عبدالنبی، ۱۳۸۳ ، اقدامات فرهنگی سید مطلب مشعشعی، مجله تاریخ اسلام (دانشگاه باقرالعلوم)، شماره ۱.

۱۲- کریم اللامی، عبدالرحمن، ۱۹۸۵، الادب العربی فی الاهواز، العراق، منشورات وزاره الثقافه و الاعلام، ص ۱۷-۱۸.

۱۳- کسروی، احمد، ١٣٥٦، ه.ش، تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان ، انتشارات گام – پایدار.

١٤- محمدزاده، مرضیه ، ۱۳۸۸، علی بن موسی الرضا(ع)، قم: دلیل ما.

۱۵- مرعشی شوشتری، ۱۳۷۷ه.ش، مجالس المؤمنین، نشر اسلامیه، جلد۱-۲ ناشر :انتشارات اسلامیه.

١٦- موسوی مشعشعی، سیدعلی خان، «الرحله المکیه»، کتابخانه سپهسالار (مطهری فعلی)، به شماره ۱۵۱۳.

مقالات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

۱- اصلانی، مختار(۱۳۸٦)، تاثیر ادعای مهدویت در ایجاد دئلت مشعشعیان، فصلنامه مشرق موعود، سال اول، شماره سوم، پاییز.

۲- بهرامی، بهرام، عباس احمدوند، حاتم یوسفی. ۱۳۸۹. تاریخ سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی مشعشعیان .وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – دانشگاه زنجان

۳- بیت سیاح, مجید، ۱۳۹٤، نقش مشعشعیان در ترویج مذهب تشیع، دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، موسسه سفیران فرهنگی مبین،

٤- رنجبر، محمدعلی(۱۳۷۹)، سیدمحمد بن فلاح و اندیشه مهدویت، فصلنامه مقالات و بررسی ها، دفتر ٦۷

۵- حسنی, محمدجواد، ۱۳۹۵، نقش حکومت مشعشعیان در رشد فرهنگ علمی جنوب غربی ایران، سومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، تهران، موسسه سفیران فرهنگی مبین،

٦- ذکاوتی قراگزلو. علیرضا، نهضت مشعشعی و گذاری بر کلام المهدی، مجله معارف، فروردین – تیر ۱۳۷۵ – شماره ۳۷ ص ٦۰ و الشیبی، ص ۳۱۰.

۷- شاهمرادی، سیدمسعود و منتظر القائم، اصغر(۱۳۹۲)ف تشیع قراقویونلوها(۸۷۲-۷۸۰ه ق)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال چهل و پنجم، دوره جدید، سال پنجم، شماره اول، بهار.

۸- قیم، بهادر، علی بحرانی پور، شهرام جلیلیان، سمیره بداوی. ۱۳۹۲. تأثیر مشعشعیان در ساختار اجتماعی و فرهنگی خوزستان (۱۱۷٦ – ۸٤۵ هـ ق) .وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – دانشگاه شهید چمران اهواز – دانشکده ادبیات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

An Investigation of the Evolution of the Religious Nature and Ideology of the Ash'arites in Khuzestan

Abstract

In the late ninth and early tenth centuries (15th century) Iran was not a monolithic political unit; in the east of Iran weakness was evident in the remnants of the Timurid dynasty, and in another part of western Iran, the expansion of Turkmens rule by Qaraqviunlu and Aq. In these circumstances, religious-political movements in different parts of Iran were likely to emerge. In about 1437 AH / 840 AH In the area of southern Iraq and Khuzestan, the Shi'ite religious movement led by Sayyid Muhammad bin Fallah, a student of Allameh Ahmad bin Fahd al-Najj, quickly became a local government. The founder of this government was Sayyid Muhammad ibn Fallah (d. 1 AH), a scholar of the Hilla area of Iraq, who in 828 AH started his campaign by relying on the foreign sciences he had learned from his master (Allameh Ahmad ibn Fahd Hali). With this claim, he was able to attract the attention of most Khuzestan tribes. After many wars, he was able to establish a central Shi'ite sect of the Shiite dynasty in the year 445 AD. From then on, the Mash'ishah ruled independently until 914 AH, and ruled the region for over two hundred years after the Safavid invasion. These were the rulers of a benevolent people, a scientist, a man of grace and knowledge. To this end, they have contributed to the religious, cultural and scientific growth of the Khuzestan region's science and art. It was not long after Khuzestan became one of the major religious and scientific centers in Khuzestan in general, and especially as the Khuzestan Governing Center. The center where the Taliban made its pilgrimage and stayed in it. Commentators, scholars, scholars, writers and great poets emerged from it.

Keywords: Mashhashiyyah, Seyyed Mohammad bin Fallah, Mahdism, Hawaizah

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]